

## بررسی ساختار اطلاعاتی گروه‌های اسمی در نقش نهاد جمله در رباعیات خیام

ایوب انصاری\*، سید علی سراج

۱- گروه زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران.

سال هفدهم، شماره یازدهم، بهمن ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۱۰۵، صص ۴۱-۶۲

DOI: <http://10.22034/bahreadab.2025.17.7587>

### نشریه علمی سبک‌شناسی و تحلیل متون نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

#### چکیده:

**زمینه و هدف:** یکی از حوزه‌های مطالعاتی زبان‌شناسی، حوزه‌متنی و گفتمانی است که به مباحث گوناگونی از جمله بافت توزیع اطلاعات می‌پردازد. گروه‌های اسمی در نقش نهاد جمله ممکن است حاوی اطلاع کهنه یا نو باشند که بافت متنی و موقعیتی و شنونده در این تحلیلها نقش بسزایی دارند.

**روش‌ها:** پرنس (۱۹۸۱، ص ۲۵۲) به تقسیم‌بندی هفتگانه‌ای قائل است که دیدگاه نظری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. در این بررسی رابطه برخی از ویژگی‌های نحوی با بعضی از ویژگی‌های گفتمانی نحو در ارتباط با مباحثی از گفتمان مذاقه و واکاوی شده است. از مجموع ۱۷۸ رباعی خیام از نسخه موردبررسی، ۱۴۱ رباعی یعنی ۷۹/۲۱ درصد از رباعیات خیام داده‌های تحقیق را تشکیل می‌دهند. تمامی جملات رباعیات موردبررسی مشخص شده و گروه‌های اسمی در نقش نهاد جمله‌ها بر اساس میزان آشنایی آن برای شنونده بر اساس تقسیم‌بندی پرنس (۱۹۸۱، ص ۲۵۲) مطالعه و بررسی شده است.

**یافته‌ها:** رباعیات موردبررسی شامل ۷۷۶ جمله بوده که در ۷۴۸ جمله گروه‌های اسمی در نقش نهاد جمله واقع شده‌اند و در ۲۸ جمله نهاد جمله گروه‌های غیر اسمی مانند گروه‌های حرف‌اضافه‌ای، بندهای خود ایستا یا بندهای نا خود ایستا بوده است و ۳۴۰ گروه اسمی در نقش نهاد جملات یعنی ۴۵/۴۵ درصد از کل گروه‌های اسمی در نقش نهاد جملات مربوط به گروه‌های اسمی اشاره‌شده در متن میباشد که بیشترین کاربرد را در این بررسی نشان داده است.

**نتیجه‌گیری:** نتایج بررسی حاکی از این است که ۸۳/۶۹ درصد گروه‌های اسمی در نقش نهاد جملات اطلاعات کهنه شنونده بنیاد و ۱۶/۳۱ درصد اطلاعات نو را منتقل مینمایند. بنابراین، به‌طور کلی می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که گروه‌های اسمی که در نقش نهاد جملات قرار گرفته‌اند از میزان آشنایی بالایی برای شنونده برخوردارند یعنی اغلب اطلاعات کهنه را انتقال می‌دهند.

تاریخ دریافت: ۱۸ اسفند ۱۴۰۲  
تاریخ داوری: ۲۴ فروردین ۱۴۰۳  
تاریخ اصلاح: ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۳  
تاریخ پذیرش: ۲۲ خرداد ۱۴۰۳

#### کلمات کلیدی:

ساخت اطلاعاتی، گروه اسمی، اطلاعات کهنه، اطلاعات نو، اطلاعات کهنه شنونده بنیاد، رباعیات خیام

\* نویسنده مسئول:

[Ansari\\_ayoub@pnu.ac.ir](mailto:Ansari_ayoub@pnu.ac.ir)

(۲۱ ۹۸+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

The analysis of the information structure of Subject Noun phrases (SNP) in Khayyam's quatrains

A. Ansari\*, S.A. Seraj

1- Department of Linguistics, Payam Noor University, Tehran, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Neishabor, Neishabor, Iran

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 08 March 2024

Reviewed: 12 April 2024

Revised: 29 April 2024

Accepted: 11 June 2024

KEYWORDS

information structure, noun phrase, old information, new information, listener-oriented old information, Khayyam's Quatrains

\*Corresponding Author

✉ [Ansari\\_ayoub@pnu.ac.ir](mailto:Ansari_ayoub@pnu.ac.ir)

☎ (+98 )

ABSTRACT




**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** Discoursal and textual analysis is a field of study in linguistics which deals with various topics, including the context of information distribution (information structure) (Shehbaz, 1378). Subject Noun phrases may contain old or new information that the textual (context) and situational context and the listener play significant roles in these analyses.

**METHODOLOGY:** Prince (1981) makes a seven-fold division that forms the theoretical framework or perspective of the current research. In this study, the relationship among some syntactic features and some discoursal features of syntax in connection with discourse topics has been studied and analyzed. Out of the total Khayyam's 178 quatrains of the examined version, 141 quatrains, i.e. 21.79% of Khayyam's quatrains, constitute the research data. All the sentences of the studied quatrains have been identified and the subject noun phrases of the sentences have been studied and analyzed based on the level of familiarity for the listener based on the classification of Prince (1981).

**FINDINGS:** The studied quatrains included 776 sentences; so that in 748 sentences, noun phrases were found in the subject position of the sentences. Also, in 28 sentences, the subjects of the sentences were non-nominal phrases such as prepositional phrases, independent clauses or dependent clauses. Finally, 340 subject noun phrases, 45.45% of the total subject noun phrases of the sentences are devoted to the noun phrases referenced or mentioned in the text, which have shown the most frequency or usage in this study.

**CONCLUSION:** The results of the analysis indicate that 83.69% of the subject noun phrases (SNP) in the sentences convey listener-oriented old information and 16.31% of SNP convey new information. Therefore, in general, it can be concluded that the SNP of the analyzed sentences have a high level of familiarity for the listener, that is, they often convey old information.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.17.7587>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 28	 3	 0

## مقدمه

زبان‌شناسی مطالعه عملی زبان در سطوح مختلف از جمله، آوایی، واجی، نحوی، معناشناسی، کاربردشناسی و متنی و گفتمانی است. در مطالعات نحوی، اسم و گروه اسمی در زمره مهم‌ترین مقولات دستوری محسوب میشوند. به عقیده شفائی (۱۳۶۳، ص ۱۰) اسم مهم‌ترین جزء کلام است و در کلیه دستورهای زبان دنیا اسم را در صدر اجزاء کلمه بررسی میکنند. یکی از جایگاه‌هایی که غالباً گروه اسمی در آن کاربرد مییابد جایگاه مبتدای جمله است. همچنین مطالعات گفتمانی از جمله مباحث و موضوعات مطرح در مطالعات زبان‌شناسی است که به موضوعاتی از قبیل استراتژیهای آغازگری<sup>۱</sup>، ساخت کلان<sup>۲</sup>، عوامل انسجامی<sup>۳</sup>، عناصر شبه زبانی<sup>۴</sup> و بافت توزیع اطلاعات (ساخت اطلاعاتی<sup>۵</sup>) میپردازد (شهبازی، ۱۳۷۸، ص ۳۰). ساخت اطلاعاتی به عنوان یکی از ساختهای بند یک پدیده زبانی محسوب میشود و مانند دیگر ساختهای نحوی، آوایی و معنایی زبان احتیاج به توصیف و بررسی دقیق دارد. نونان (۱۹۹۳، ص ۴۵) بر این باور است که اطلاعات اغلب در متن و گفتمان مفروض است، یعنی گوینده یا نویسنده فکر میکند که شنونده یا خواننده (مخاطب) از آن آگاهی قبلی دارد و یا اینکه اطلاعات ارائه شده در متن یا گفتمان برای شنونده یا خواننده جدید است و گوینده یا نویسنده قصد دارد آن را به آگاهی مخاطب خود برساند. همچنین ایشان مینویسد که در انگلیسی اطلاعات نو غالباً در انتهای جمله می‌آید و مبتدا یا فاعل جمله غالباً اطلاعات مفروض یا کهنه را منتقل مینماید. در واقع میتوان گفت که رابطه‌ای نزدیک بین اطلاعات مفروض و مبتدای جمله در زبان انگلیسی وجود دارد.

در زبان انگلیسی وجود دارد.

سؤالات تحقیق عبارتند از:

- ۱- گروههای اسمی به کاررفته در جایگاه نهاد جملات به چه میزان بیانگر مقولات ارائه شده توسط پرینس (۱۹۸۱، ص ۲۵۲) در مورد ساخت اطلاعاتی جمله در رباعیات خیام میباشد؟
- ۲- کدام یک از مقولات هفتگانه پرینس (۱۹۸۱، ص ۲۵۲) در مورد ساخت اطلاعاتی جمله بیشترین کاربرد و کدام یک کمترین کاربرد را در این بررسی نشان میدهند؟
- ۳- گروههای اسمی به کاررفته در جایگاه نهاد جملات در رباعیات خیام به چه میزان حاوی اطلاعات کهنه و یا نو میباشد؟

## پیشینه تحقیق

### اسم یا گروه اسمی

در کتابهای دستور زبان فارسی اسم و گروه اسمی به صورتهای کم‌وبیش مشابهی تعریف و انواع آن ذکر و مختصات و ویژگیهای آن تشریح شده است. انوری و احمدی گیوی (۱۳۸۲، ص ۷۸) مینویسند: "اسم کلمه‌ای است که می‌تواند مستقیماً و مستقلاً نهاد (مسندالیه) جمله باشد و آن برای نامیدن شخصی یا حیوانی یا چیزی و یا مفهومی به کار میرود... اسمها درعین حال که خصوصیات مشترک دارند، از هر جهت همسان نیستند و از دیدگاه‌های مختلف ویژگیهای متفاوت پیدا میکنند؛ از این رو می‌توان آنها را از جهات گوناگون تقسیم کرد" و اسم را شامل انواع زیر

<sup>1</sup> Thematization strategies

<sup>2</sup> Macro-structure

<sup>3</sup> Cohesive devices

<sup>4</sup> Paralinguistics

<sup>5</sup> Information structure

میدانند: اسم جامد، مشتق، خاص، عام، معرفه، نکره، اسم جمع، ساده، مرکب، ذات، معنی، آلت، اسم صوت، اسم مصغر، اسم مصدر و اتباع. اسم معرفه و اسم نکره از مفاهیم و موضوعات اساسی مورد نظر این بررسی است که جهت رعایت اختصار به منابع مرتبط از جمله انوری و احمدی گیوی (۱۳۸۲، صص ۸۰-۸۲) ارجاع می‌دهیم.

### نهاد یا مبتدای جمله

از آنجاکه مفهوم نهاد در جمله تبلور می‌یابد لذا تعریف و تشریح نهاد مستلزم شناخت و درک مفهوم جمله می‌باشد. شریعت (۱۳۷۲، صص ۷۷-۷۸) توضیحاتی ارائه می‌دهد: "در جمله حداقل یک فعل وجود دارد (یا احساس می‌شود که آن فعل حذف شده است) ... جمله می‌تواند یک کلمه باشد..... بنابراین می‌توان گفت که اساس جمله فعل است...".

اسم در جمله نقش‌های گوناگون می‌پذیرد که عبارتند از: نهادی، مسندی (بازسته‌ای)، مفعولی، متممی، ندایی، تمیزی، قیدی، وصفی (صفتی)، مضاف الیهی (اضافی)، بدلی، معطوفی و تأکیدی. اسم وقتی نهاد (مسندالیه) است که فعل یا صفت و یا کلماتی دیگر به آن اسناد داده شود. اسم هم به تنهایی و هم با همراهی وابسته‌هایی می‌تواند نهاد واقع شود. نقش نهادی را در دستوره‌های پیشین حالت مسندالیه یا فاعلی می‌نامیدند (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۸۲، صص ۱۱۱-۱۱۲).

اسم در جمله ممکن است به صورتهای مختلف در نقش نهادی ظاهر شود ... و می‌توان گفت هر فاعلی نهاد است ولی هر نهادی فاعل نیست... (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۳).

البته علاوه بر گروه اسمی ساختارهای دیگری در جایگاه نهاد جمله امکان وقوع می‌یابند همچون گروه‌های حرف اضافه‌ای، جمله و یا ساختاری که خیام پور (۱۳۴۴، ص ۳۳) "اسم لفظ" نامیده است (مثل: "می‌آید" فعل است...).

نائل خانلری (۱۳۸۰، ص ۱۴) نیز نهاد و گزاره را تعریف و تشریح نموده است. در فرهنگ توضیحی زبانشناسی کاربردی لانگمن (۱۹۹۲، ص ۳۸۴) در رابطه با نهاد و نقش آن در ساختار اطلاعاتی جمله چنین آمده است: "نهاد<sup>۱</sup> در تعریف ساختار اطلاعاتی جملات، اصطلاحی است برای قسمتی از جمله که فرد، شیء یا نظریه‌ای را مشخص میکند و مطلبی یا گزاره‌ای درباره آن گفته می‌شود".

همچنین در فرهنگ توضیحی زبانشناسی لانگمن (۱۹۹۲، ص ۱۴۹) تحلیل ساختار اطلاعاتی جمله به‌منزله<sup>۲</sup> تحلیل جنبه<sup>۱</sup> نقش بری یا جنبه<sup>۲</sup> کارکردی جمله<sup>۲</sup> دانسته شده و آمده است:

جنبه<sup>۱</sup> نقش بری جمله نوعی تجزیه<sup>۱</sup> زبانشناسی مربوط به مکتب پراگ است که چگونگی توزیع اطلاعات را در جمله توصیف میکند. FSP به‌ویژه نتیجه یا تأثیر پراکندگی اطلاع مشخص (یا داده‌شده‌ای) و اطلاعات جدید درگفتمان را مورد بررسی قرار می‌دهد...

در جملات امری، نهاد به‌صورت ضمیر مستتر (تو) در فعل می‌باشد (شریعت، ۱۳۷۲، ص ۱۵۶).

از آنجاکه تعیین و تشخیص گروه‌های اسمی یا اسم در نقش مبتدای جمله مستلزم شناخت ساختار جمله بالأخص در متون منظوم و ادبی مورد نظر این بررسی بوده، لذا قابل ذکر است که در متون منظوم به ضرورت اوزان عروضی و قافیه و ردیف به‌طور قابل ملاحظه‌ای از قلب نحوی و حذف به قرینه استفاده شده است که در این راستا، اسم

<sup>1</sup> Topic

<sup>2</sup> Functional Structure Perspective

یا گروه‌های اسمی در نقش مبتدا در جملات مورد بررسی که به قرینه لفظی یا معنوی حذف شده‌اند، بازسازی و در تحلیل ساخت اطلاعاتی جمله لحاظ شده است.

شریعت (۱۳۷۲، صص ۲۱۶-۲۲۱) نیز به تفصیل اسامی معرفه و نکره را تعریف و تشریح نموده و مختصات و ویژگیهای آنها را ذکر نموده است. "عهد ذهنی" و "عهد ذکری" از دیگر مفاهیمی است که شریعت (۱۳۷۲، ص ۲۲۰) در مورد اسامی معرفه به کار گرفته و در این بررسی از آن استفاده شده است. (آنچه ایشان از آن به عنوان "عهد ذکری" یاد نموده است، در پرنس (۱۹۸۱) گروه‌های اسمی حدس زدنی یا قابل استنتاج نامیده شده است). شریعت (۱۳۷۲، ص ۲۵۲) و ناتل خانلری (۱۳۸۰، ص ۲۰۱) همچنین در مورد نشانه‌های صوری اسم نکره و ضمائر مبهم توضیحات مبسوطی ارائه داده‌اند که جهت خودداری از اطناب مطلب به منابع مذکور ارجاع داده میشود.

از آنجاکه بررسی ساخت اطلاعاتی اسم یا گروه اسمی در جایگاه نهاد جمله مستلزم شناخت ساختار جمله و بالأخص تشخیص نهاد (فاعل یا مسندالیه) میباشد، لذا نهادهای محذوف در ساختار جملات کوتاه می‌بایست بازسازی و لحاظ گردیده و معرفه یا نکره بودن آن مشخص شود. گاهی یکی از ارکان اصلی یا اجزایی که باعث تبدیل جمله کوتاه به جمله بلند میشوند حذف میگردد. شریعت (۱۳۷۲، صص ۳۹۵-۳۹۷) با ذکر مثالهایی به تشریح برخی از نهادهای محذوف پرداخته است.

در بررسی حاضر، ساخت اطلاعاتی گروه اسمی در نقش مبتدا (نهاد) جمله بررسی میشود، بنابراین در این پژوهش برخی ویژگیهای نحوی و گفتمانی مذاقه و واکاوی میشوند، لذا در این قسمت مختصری در باب گفتمان و موضوعات اساسی مطرح شده در این زمینه به‌طور کلی ارائه میشود.

### گفتمان و تحلیل گفتمان

محققان و زبان‌شناسان ایرانی اصطلاحات گوناگونی را معادل واژه (Discourse) قرار داده‌اند. حق‌شناس (۱۳۷۰، ص ۱۵۴) اصطلاح «مقال»، شمیسا (۱۳۷۴، ص ۲۷۳) واژه «کلام»، لطفی پور ساعدی (۱۳۷۱، ص ۹) کلمه «سخن» و یار محمدی (۱۳۷۲، ص ۱۹۸) اصطلاح «گفتمان» را پیشنهاد کرده‌اند.

زبان‌شناسان در مورد گفتمان، تعاریف و توضیحات متنوع و مختلفی ارائه داده‌اند. صلح‌جو (۱۳۷۷، ص ۹۵) مینویسد "گفتمان قالبی است که در آن پیامی ارسال میشود و پیام‌گیر در آن سوی این دستگاه آن را دریافت میکند." صلح‌جو (۱۳۷۷، ص ۹۵)، یارمحمدی (۱۳۷۲، ص ۲۶۱) و فرهنگ زبانشناسی کاربردی لانگمن (۱۳۷۵، صص ۱۶۶-۱۶۷) در این مورد که گفتمان با واحدی بزرگ‌تر از جمله سروکار دارد اتفاق نظر دارند.

داوری ثانی و همکاران (۱۴۰۱، ص ۲۷) در این رابطه مینویسند: «فردینان دوسوسور، زبانشناس و نشانه‌شناس سوئیسی برای نخستین بار بصورت روشمند نظریه گفتمان را مطرح نمود... از نظر رولان بارت گفتمان بازنمود یک صدا در دل متن است که با یک موقعیت گفتاری همراه میشود. اندیشمندان دیگر چون بنونیست گفتمان را بازنمایی رویدادها در متن میدانند».

دایک (۱۳۸۲، صص ۲۷ و ۲۸) به تفصیل به تشریح و توصیف گفتمان و ویژگیها و خصوصیات و جنبه‌های مختلف آن پرداخته و در قسمتی مینویسد:

می‌توان انتظار داشت که گفتمان کاوی هم به پیروی از دستور زبانشناسی مثلاً به اشکال انتزاعی جمله در گفتمان توجه نشان دهد، اشکالی همچون ترتیب واژه‌ها، جمله‌ها و بندها و سایر خصوصیت‌های جمله که در نحو مورد مطالعه

قرار می‌گیرند.... یکی از پدیده‌هایی که عمدتاً در نحو گفتمانی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، این است که چگونه شکل یک جمله نحوه تقسیم اطلاعات در گفتمان را نشان می‌دهد: ما می‌توانیم داستانی در مورد زنی بگوییم و در آن با نام «چین دو» و یا به کمک یک گروه اسمی نامعین مثل «یک وکیل» به او اشاره کنیم. اما بعد از آن می‌توانیم به کمک یک گروه اسمی معین نظیر «زن» یا «وکیل» یا فقط به کمک ضمیر «او» به او اشاره کنیم.... نکته جالب این است که فقط شکل جمله‌های پیشین نیست که در اینجا ایفای نقش میکند، بلکه اطلاعات موجود در آنها، اینکه این اطلاعات به چه کسی یا چه چیزی اشاره دارند، اینکه چه اطلاعاتی نزد گیرنده مفروض گرفته میشود و اینکه گیرندگان به چه چیزی توجه دارند، نیز در آن مؤثرند. اینها مفاهیمی هستند که عمدتاً به یک رویکرد معنایی یا شناختی نسبت به گفتمان تعلق دارند.

### عوامل و علل پیدایش تجزیه و تحلیل گفتمان و متن

مباحث گفتمانی در بررسی‌های زبانشناسی، گرایشی نوپا و نوین است. در تکوین یافتن و نضج گرفتن مباحث گفتمانی به صورت جدید، عواملی چند دخیل بوده‌اند از جمله:

(۱) تغییر نگرش در مطالعه زبان (۲) نظریه کنشهای گفتاری (۳) ارتباط شناسی قومی (۴) تجزیه و تحلیل مکالمات طبیعی در زبان (۵) فرضیه استنباطی گرایس (۶) زبانشناسی متن (۴).

کولتارد (۱۹۸۵، صص ۱۳-۵۵) در کتاب «درآمدی بر تجزیه و تحلیل گفتمان» به طور مفصل موارد فوق را تشریح نموده است.

### مسائل و مباحث تجزیه و تحلیل گفتمان

شهبازی (۱۳۷۸، ص ۳۰) در تجزیه و تحلیل گفتمان و متن به پنج مبحث اصلی اشاره دارد که عبارتند از: (۱) استراتژیهای آغاز گری، (۲) بافت توزیع اطلاعات، (۳) عوامل انسجامی، (۴) ساخت کلان (بافتار)، (۵) عناصر شبه زبانی.

در پژوهش حاضر، ساخت اطلاعاتی جمله که از مباحث و موضوعات اساسی مطرح شده در مباحث تجزیه و تحلیل گفتمانی است با عنایت به برخی ویژگیهای نحوی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### بافت توزیع اطلاعات (ساخت اطلاعاتی)

فرهنگ توضیحی زبانشناسی کاربردی لانگمن (۱۳۷۵، ص ۲۷۹) ساخت اطلاعاتی را به صورت زیر تعریف و تشریح مینماید: کاربرد ترتیب واژه‌ها، آهنگ جمله، تکیه و سایر دستگاه‌ها برای نشان دادن اینکه چگونه پیامی که به وسیله جمله‌ای بیان شده باید فهمیده و دریافت گردد. ساخت اطلاع به وسیله طرحهایی نشان داده میشود که عبارتند از انواع زیر: الف) کدام قسمت از پیام را سخنگو تصور میکند که شنونده از قبل میدانند و کدام بخشها از پیام اطلاع جدید هستند؟ ب) تقابلهایی که ممکن است به وسیله تکیه‌دار بودن یک واژه و بدون تکیه بودن واژه‌ای دیگر نشان داده شود.

<sup>1</sup> Speech act theory

<sup>2</sup> Ethnomethodology

<sup>3</sup> Gricean Implicature hypothesis

<sup>4</sup> Text Linguistics

## نظرات براون و یول

مطالعه ساخت اطلاعاتی متن به صورت جدی قبل از جنگ جهانی دوم توسط پژوهشگران و محققان مکتب پراگ دنبال و بنیان‌گذاری شده است. آنها در قالب (چهارچوب) "نمای نقشی جمله" به بررسی پویایی ارتباطی اجزای متشکله جمله می‌پردازند. هالیدی (۱۹۸۶) نظریات و ایده‌های مکتب پراگ را به پژوهشگران غربی عرضه نمود. او جنبه‌هایی از مکتب پراگ را که به ساختار متون می‌پردازد تشریح و بسط و گسترش داد و بالأخص دیدگاه مکتب پراگ در مورد ساختار اطلاعاتی را که در آن دو مقوله اطلاع جدید و اطلاع کهنه (داده‌شده) مطرح می‌شد را اقتباس و واکاوی نمود. اطلاع جدید به اطلاعی گفته می‌شود که گوینده/نویسنده فکر میکند/حدس می‌زند که برای مخاطب (شنونده/خواننده) ناشناخته و جدید است و اطلاع کهنه (داده‌شده)، اطلاعی است که گوینده یا نویسنده فرض می‌کند برای خواننده یا شنونده شناخته شده باشد (یا به دلیل حضور فیزیکی در بافت و یا به این دلیل که اخیراً در متن یا گفتمان ذکر شده‌اند) (براون و یول، ۱۹۸۹، صص ۱۵۳-۱۵۴).

زبان‌شناسان با رویکردهای مختلف نحوی و آوایی به بررسی ساخت اطلاعاتی جمله پرداخته‌اند. در رویکرد نحوی تحلیل ساختار اطلاعاتی، مختصات و مشخصه‌های نحوی در تبیین و تحلیل ساخت اطلاعاتی بررسی می‌شوند. براون و یول صورتهای نحوی زیر را تداعی‌کننده اطلاعات کهنه در جمله میدانند:

۱) واژه‌هایی که برای دومین بار در جمله ذکر می‌شوند، بالأخص آنهایی که همراه با علامت معرفه به کار می‌روند.  
 ۲) واژه‌هایی که در حوزه معنایی واژه‌ای که اخیراً ذکر شده است، قرار گیرند، بالأخص آنهایی که با علائم معرفه همراه‌اند.

۳) ضمایری که به شکل واژگانی کاملی (یک واژه‌ای دیگر) در جمله قبل ارجاع می‌دهد.

۴) ضمایری که جهت ارجاع و اشاره به محیط فیزیکی جهان بیرون دارند.

## نظریات هالیدی

هالیدی (۱۹۶۷، صص ۲۰۳ و ۲۴۲) از منظر آواشناختی و زبررنجیری<sup>۱</sup> به بررسی ساخت اطلاعاتی جمله پرداخته است. ایشان بر این نکته تأکید دارند که اطلاعات نو و کهنه در جمله به وسیله تکیه یا استرس قابل تشخیص‌اند به این صورت که واژه‌ها و یا گروهی از واژه‌ها که حاوی تکیه اصلی و اولیه<sup>۲</sup> هستند، اغلب حاوی اطلاعات نو و جدیدند. هالیدی (۱۹۶۷، ص ۲۱۱) همچنین تأکید دارد که گویندگان مشخص‌کننده وضعیت اطلاعاتی جملات و گفتارند. ایشان اطلاعات کهنه را اطلاعی میدانند که یا از طریق ارجاع به بافت متنی و یا بافت موقعیت (فیزیکی و محیطی) قابل بازیافت و شناسایی باشد و اطلاع جدید یا نو را اطلاعی میدانند که اطلاع اصلی محسوب می‌شود و اغلب در بافت متنی ذکر نشده و مهمتر اینکه از جمله، متن یا گفتمان قبلی قابل بازیافت و شناسایی نباشد.

هالیدی (۱۹۶۷) بر این باور است که معمولاً اطلاعات کهنه قبل از اطلاعات جدید در جمله قرار داده می‌شوند و ترتیب پیش‌فرض اجزای ساختار اطلاعات به صورت کهنه - نو<sup>۳</sup> می‌باشد (براون و یول، ۱۹۸۹، ص ۱۵۵).

همچنین هالیدی (۱۹۶۷، ص ۱۱) بر این باور است که اطلاعات نو در انتهای واحد اطلاعاتی قرار می‌گیرد و در تعریف اطلاعات کهنه بر شنونده محور بودن آن تأکید دارد، یعنی اینکه اطلاع کهنه آن اطلاعاتی است که از طریق ارجاع یا موقعیت برای شنونده قابل بازیافت باشد.

<sup>1</sup> Supersegmental

<sup>2</sup> Primary stress

<sup>3</sup> Old-new

## نظرات پرنس

پرنس (۱۹۹۲، صص ۲۹۵-۳۲۵) به مطالعه برخی ویژگی‌های نحوی در رابطه با مباحثی از گفتمان پرداخته و در این راستا گروه‌های اسمی در نقش نهاد جملات و چگونگی معرفگی<sup>۱</sup> آنها در رابطه با پدیده یا مقوله گفتمانی وضعیت / ساخت اطلاعاتی مورد مذاقه و واکاوی قرار داده است (لوک، ۲۰۱۳، ص ۶۹).

ایشان (۱۹۹۲، صص ۲۹۷-۲۹۸ و ۳۱۶) مینویسد که اغلب عقیده بر این است که گروه‌های اسمی به‌طور تصادفی در جایگاه‌های نحوی مختلف وقوع نمی‌یابند و قرار گرفتن یک گروه اسمی در جایگاه نهاد جمله با مفاهیم معرفگی و وضعیت اطلاعات در گفتمان که گروه اسمی بیانگر آن است مرتبط می‌باشد به این معنی که نمادها تمایل به معرفگی دارند و اغلب بیانگر اطلاعات کهنه هستند.

پرنس (۱۹۹۲، ص ۲۹۹) برخی از مختصات و نشانه‌های صوری معرفگی گروه‌های اسمی در انگلیسی را حرف تعریف (the)، صفات اشاری (this، that، these، those، و غیره)، صفات ملکی (my، your، his و...)، ضمیر شخصی (I، they، you، ...)، اسامی خاص و برخی نشانه‌های ناشناخته بودن (نکره) گروه‌های اسمی را حروف تعریف نکره یا بدون علامت تعریف بودن (تهی)، کمیت‌نمایی مانند (some، any، one، six و...) میدانند. پرنس (۱۹۹۲، ص ۳۰۱) در ادامه به تشریح اطلاع کهنه و نو از نظر شنونده (شنونده - بنیاد) پرداخته و معتقد است اطلاعات بر اساس عقاید و باورهای نویسنده / گوینده در مورد عقاید و باورهای خواننده / شنونده می‌تواند اطلاع کهنه یا نو تلقی شود. به عنوان مثال اگر به همکار خود بگوییم "منتظرم ظهر بشه تا بتونم با سندی تامپسون تماس بگیرم"، چنین فرض می‌کنیم که همکار ما مصداق عینی سنی تامپسون را که شخصی است در جهان خارج در ذهن خود دارد و میداند که در مورد یک مصداق عینی خاص و مشخص در جهان خارج صحبت می‌کنیم و او را میشناسد.

پرنس (۱۹۹۲، ص ۳۰۲) به این نوع اسم یا گروه‌های اسمی که مصداق یا مصداق‌های آنها در ذهن شنونده وجود دارد و شنونده قادر است آنها را شناسایی کند گروه اسمی جدید معین<sup>۲</sup> نامیده است. همچنین اطلاع جدید را اطلاعی میدانند که برای شنونده ناشناخته باشد و گروه اسمی دارای چنین مختصاتی را گروه اسمی نامعین معرفه نشده<sup>۳</sup> می‌نامند. مثل: دیروز شخصی آمد و نامه را تحویل داد (بیرنر، ۲۰۰۶، ص ۴۵).

به‌طور کلی پرنس (۱۹۹۲، ص ۳۰۲) بر این باور است که آنچه از منظر شنونده حاوی اطلاعات کهنه باشد معمولاً با گروه‌های اسمی معرفه و آنچه از منظر شنونده حاوی اطلاع نو باشد معمولاً با گروه‌های اسمی نکره نشان داده میشود. ایشان همچنین به این نکته اشاره دارد که برخی گروه‌های اسمی که از نظر صوری و روستاختی نشانه معرفه ندارد و ظاهراً نکره به نظر می‌رسد، از نظر شنونده اطلاع کهنه محسوب می‌گردند.

بافت متنی و گفتمانی نیز در تبیین و تعیین اطلاعات کهنه و نو قابل بررسی‌اند به این معنا که از منظر گفتمانی و متنی به بررسی کهنه یا نو بودن گروه اسمی پرداخته میشود. یک گروه اسمی ممکن است به شخصی، کسی یا چیزی یا وجودی اشاره کند که قبلاً در متن و گفتمان کاربرد یافته است که گروه اسمی اشاره شده در متن<sup>۴</sup> نامیده میشود و اطلاع کهنه بافت بنیاد محسوب میشود (پرنس ۱۹۹۲، ص ۳۰۳).

<sup>1</sup> Definiteness

<sup>2</sup> Unused

<sup>3</sup> Brand New

<sup>4</sup> Evoked textually



همچنین در گفتمان و متن ممکن است از ضمایر شخصی اول شخص و دوم شخص استفاده شود بدون اینکه به مرجعی در جمله یا متن ارجاع دهند. به چنین ضمایی که مرجع آنها از طریق بافت غیر متنی یا بافت موقعیت<sup>۱</sup> قابل‌درک می‌باشد، گروه اسمی مورد اشاره واقع شده در موقعیت گفتگو<sup>۲</sup> گویند. گروه‌های اسمی حدس زدن گروه‌هایی هستند که با استدلال منطقی و با توجه به گروه‌های اسمی حدس زدن دیگر و یا گروه‌های اسمی اشاره شده برای شنونده قابل‌شناسایی است و این نوع از گروه‌های اسمی دو نوعند: حدس زدن از طریق خود بخش اسمی<sup>۳</sup> و حدس زدن از طریق استنتاج<sup>۴</sup> که اسم یا گروه اسمی نوع اول، آنچه کمک میکند تا گروه اسمی شناسایی شود در خود گروه اسمی قرار دارد و بخشی از آن گروه اسمی محسوب می‌شود، مانند رابطه یک عضو با کل یک دسته، در حالی که در نوع دوم گروه اسمی حدس زدن به‌طور غیرمستقیم با گروه اسمی دیگر در متن رابطه‌ای منطقی دارد برای شنونده قابل‌شناسایی و تشخیص است (پرینس ۱۹۹۲، صص ۳۰۴-۳۰۸).

پرینس (۱۹۹۲، صص ۳۰۵) مثال زیر را در تشریح و توصیف گروه اسمی و حدس زدن ارائه نموده است:

#### He Passed by the Bastille and the door was painted purple

(او از جلوی «اداره یا سازمان» بستایی که درب آن به رنگ ارغوانی رنگ شده بود، رد شد یا عبور کرد). گروه اسمی (the door) در جمله فوق جزئی یا بخشی از گروه اسمی (the Bastille) می‌باشد و بنابراین به‌طور غیرمستقیم برای خواننده یا شنونده قابل‌شناسایی و تشخیص است. بنابراین گروه اسمی (The door) در ذهن خواننده یا شنونده این تصور را مسجّم می‌سازد که گروه اسمی (the Bastille) که یک سازمان یا اداره است اصولاً می‌بایست دارای بخشی یا قسمتی به نام «درب» داشته باشد که این رابطه و ارتباط منطقی به‌صورت غیرمستقیم و تلویحی فهمیده و استنتاج می‌شود.

گروه اسمی حدس زدن از طریق خود بخش اسمی، همچنان که از اسم آن پیداست، اولاً حدس زدن است چون نیاز به استنتاج و حدس بر اساس دانش پیش‌زمینه‌ای (معرفت پیش‌زمینه‌ای) مشترک بین گوینده و شنونده یا نویسنده و خواننده دارد و از این لحاظ شبیه گروه اسمی حدس زدن از طریق استنتاج می‌باشد و ثانیاً، گروه اسمی مرجع یا پشتیبان گروه اسمی حدس زدن از طریق خود گروه اسمی، در خود گروه اسمی قرار دارد نه قبل از آن، که این مختصه وجه تمایز این دو نوع گروه اسمی حدس زدن است. مثال:

The door of Bastille was painted purple. (درب بستایی به رنگ ارغوانی رنگ شده بود)

در جمله بالا گروه اسمی (The door) گروه اسمی حدس زدن است که مرجع یا پشتیبان آن (Bastille) در خود گروه اسمی قرار دارد (پرینس ۱۹۹۲، صص ۳۰۷). بنابراین تمام ترکیبات اضافی را در فارسی می‌توان ذیل همین گروه طبقه‌بندی نمود و از این مقوله دانست. مانند: در بستایی، کتاب علی و غیره. پرینس (۱۹۹۲/۱۹۸۱) به نوع دیگری از گروه اسمی جدید نامعین نیز قائل است که گروه اسمی جدید نامعین معرفی شده<sup>۵</sup> نامیده می‌شود که به گروه اسمی دیگری مرتبط می‌شود که آن گروه اسمی خود، جدید نامعین معرفی شده نیست. این نوع گروه اسمی معمولاً با بندی موصولی، که آن را معرفی می‌کند، به کار می‌روند (بیرنر، ۲۰۰۶، صص ۴۵). مثل: «مردی که آنجا نشسته برادر من است». در این مثال بند موصولی اسم «مرد» را معرفی کرده است. پرینس (۱۹۸۱، صص ۲۵۲)

<sup>1</sup> Context of situation

<sup>2</sup> Evoked situationally

<sup>3</sup> Inferable containing

<sup>4</sup> Inferable

<sup>5</sup> Brand New Anchored

بر اساس مفاهیم مذکور به بررسی و تحلیل یک متن نوشتاری تخصصی زبانشناسی پرداخته و چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که پنجاه درصد گروه‌های اسمی به کاررفته در جایگاه فاعلی (مبتدا) گروه‌های اسمی اشاره شده در متن می‌باشد و چهل درصد از گروه‌های اسمی به کاررفته در جایگاه فاعل گروه‌های اسمی حدس زدن بوده و گروه‌های اسمی جدید معین به تعداد بسیار کمی کاربرد یافته و گروه‌های اسمی جدید نامعین در جایگاه فاعلی به کاربرده نشده‌اند، بنابراین در بررسی ذکر شده به‌طور کلی نهادها (فاعلها) حامل اطلاعات کهنه بوده‌اند.

### پیشینه مطالعات انجام‌شده در زبان فارسی

زبان‌شناسان به بررسی برخی حوزه‌های زبان فارسی از جمله مباحث نحوی، واجی، ساخت اطلاعاتی و ساخت آغازگی و بررسی ارتباط آنها با یکدیگر پرداخته‌اند که به اختصار به مواردی چند از این پژوهشها و نظریات اشاره می‌کنیم.

زند و روشن (۱۳۸۳، صص ۱۹-۲۶)، پژوهشی توصیفی در زمینه انواع گروه‌های اسمی به کاررفته به عنوان آغاز یا مبتدا در جمله‌های زبان فارسی انجام داده‌اند. آنها در پی تأیید این فرضیه هستند که در بیشتر موارد مبتدا در جمله‌های خبری یک گروه اسمی است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که ضمائر اول شخص (من - ما) بیشترین کاربرد را در جایگاه مبتدای جمله به خود اختصاص داده است.

در بررسی دیگری آقا گل زاده و رضویان (۱۳۶۹، صص ۱-۱۵)، به بررسی ساخت اطلاعاتی جمله و رابطه آن با صورتهای نحوی در جمله‌های بی‌نشان (که در آن ترتیب اجزای جمله: فاعل - مفعول - فعل می‌باشد) و تأکید تقابلی (که در این حالت، جمله معنی این و نه آن را القاء می‌کنند) و قلب نحوی (جابه‌جایی ارکان جمله) در جمله‌های نشان‌دار برگزیده از داستان 'بوف کور' پرداخته‌اند.

### روش تحقیق

روش تحقیق در بررسی حاضر، پژوهش کتابخانه‌ای و توصیفی تحلیلی است.

### داده‌های تحقیق

در پژوهش حاضر، ۱۴۱ رباعی از مجموع ۱۷۸ رباعیات خیام، یعنی ۷۹/۲۱ درصد از کل رباعیات از کتاب رباعیات خیام نیشابوری (با گردآوری و تصحیح علی اعرابی)، چاپ چهارم، سال ۱۳۸۹ از انتشارات شهرام انتخاب شده که داده‌های تحقیق را تشکیل می‌دهد (داده‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل آنها در ضمیمه شماره (۱) ارائه شده است.

### روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بررسی بر اساس یافته‌ها و شیوه طبقه‌بندی اطلاعات کهنه و نو که توسط پرینس (۱۹۸۱، صص ۲۳۴) ارائه شده است، گروه‌های اسمی در نقش نهاد جمله بررسی و میزان و نوع اطلاع کهنه و نو آنها واکاوی و تحلیل می‌شود. پرینس (۱۹۸۱، صص ۲۳۶-۲۵۳) بر اساس فرضیات گوینده درباره میزان اطلاعات قبلی شنونده به درجه‌بندی "میزان آشنایی" گروه‌های اسمی برای شنونده پرداخته، میزان آشنایی اصطلاحی است که او به جای دانش مشترک میان شنونده و گوینده به کار می‌برد، و درجاتی از میزان آشنایی را برای اسامی در نظر می‌گیرد.

طبق رده‌بندی پرینس (۱۹۸۱، صص ۲۵۲) بر اساس میزان آشنایی گروه‌های اسمی مختلف، گروه‌های اسمی اشاره شده در متن (Et) یا در موقعیت گفتگو (ES) از بالاترین میزان آشنایی برای شنونده برخوردارند و سپس گروه‌های اسمی جدید معین (U) و گروه‌های اسمی حدس زدن از طریق استنتاج (I) و گروه‌های اسمی حدس زدن از

طریق خود گروه اسمی (IC) میزان آشنایی بیشتری دارند، به این معنی که شنونده با مصادیق این گروه‌های اسمی آشناست و آنها را می‌شناسد و به عبارتی چنین گروه‌های اسمی حامل اطلاعات کهنه‌اند، درحالی‌که گروه‌های اسمی جدید نامعین معرفی نشده (BN) و گروه‌های اسمی جدید نامعین معرفی شده (BNA) از میزان آشنایی بسیار کمی برای شنونده برخوردار بوده و شنونده تصور کاملی از مصادیق آنها نداشته و غالباً حامل اطلاعات نو می‌باشند.

بر اساس نظرات پرینس (۱۹۸۸، ص ۱۲) می‌توان الگوی زیر را برای شناسایی اطلاعات کهنه و اطلاعات نو با توجه به میزان آشنایی گروه‌های اسمی برای شنونده در نظر گرفت.

جدول ۳.۱. رابطه اطلاعات کهنه و نو و گروه‌های اسمی

Et = Evoked textually	گروه‌های اسمی اشاره شده در متن	اطلاعات کهنه
Es = Evoked situationally	گروه‌های اسمی اشاره شده در موقعیت گفتگو	
U = Unused	گروه‌های اسمی جدید معین	
I = Inferable (Inferrible)	گروه‌های اسمی حدس زدن از طریق استنتاج	
Ic = Inferable Containing	گروه‌های اسمی حدس زدن از طریق خود گروه اسمی	
BNA = Brand New Anchored	گروه‌های اسمی جدید نامعین معرفی شده	اطلاعات نو
BN = Brand New	گروه‌های اسمی جدید نامعین معرفی نشده	

پرینس (۱۹۸۸، ص ۶) به‌جای عبارات «گروه اسمی جدید معین» و «گروه اسمی جدید نامعین معرفی نشده» به ترتیب از اصطلاحات «اطلاعات کهنه شنونده - بنیاد» و «اطلاعات نو شنونده - بنیاد» استفاده نموده است و بر این باور است که گروه‌های اسمی کهنه - شنونده بنیاد نوعاً و معمولاً معرفی و گروه‌های اسمی نو - شنونده بنیاد نوعاً و معمولاً نکره می‌باشند، همچنین پرینس (۱۹۸۸، ص ۱۲) معتقد است که گروه‌های اسمی را بر اساس اینکه قبلاً در متن به آنها اشاره شده است یا نه می‌توان به گروه اسمی کهنه بافت بنیاد و گروه اسمی نو بافت بنیاد تقسیم نمود و ارتباط اطلاعات نو و کهنه شنونده بنیاد و بافت بنیاد را تشریح نموده است.

جدول ۳.۲. ارتباط اطلاعات نو و کهنه شنونده بنیاد و بافت بنیاد

اطلاعات کهنه بافت بنیاد	اطلاعات نو بافت بنیاد	
ندارد	اسم جدید نامعین «شخصی و کسی»	اطلاعات نو شنونده بنیاد
اسامی مورد اشاره «مرا و شما»	اسم جدید معین «حافظ»	اطلاعات کهنه شنونده بنیاد

در تفسیر و تشریح جدول فوق، راسخ مهند و موسوی (۱۳۸۶، ص ۵۴) مینویسند: به این ترتیب گروه‌های اسمی جدید نامعین (معرفه شده یا نشده) هم به لحاظ بافت و هم به لحاظ شنونده اطلاعات نو هستند. از طرفی گروه‌های اسمی اشاره شده در متن (چه متنی و چه موقعیت گفتگو) از حیث بافت و شنونده

اطلاعات کهنه هستند و البته موردی نیست که از حیث شنونده اطلاعات جدید و از حیث بافت اطلاعات کهنه باشد. وی (پرینس) گروه‌های اسمی حدس زدنی را در طبقه‌ای جدا قرار داده که بر اساس بافت گاهی می‌تواند اطلاعات نو و گاهی اطلاعات کهنه باشند. به‌طور کلی، پرینس (۱۹۸۸) ارتباط انواع گروه‌های اسمی را با اطلاعات نو - کهنه به‌وضوح تبیین نموده و بر این باور است که گروه‌های اسمی اشاره شده در متن از حیث بافت و شنونده حامل اطلاعات کهنه هستند و از این لحاظ از بالاترین میزان آشنایی برای شنونده برخوردارند.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

در بررسی حاضر از مجموع ۱۷۸ رباعیات خیام، ۱۴۱ رباعی ۷۹/۲۱ درصد از کل رباعیات خیام از نسخه معرفی شده تجزیه و تحلیل گشته و ساخت اطلاعاتی گروه‌های اسمی در جایگاه نهاد جمله بر اساس نظریات پرینس (۱۹۹۲/۱۹۸۱) مذاقه و واکاوی شده است. در این بررسی در مجموع ۷۴۸ گروه اسمی در جایگاه نهاد جمله مشخص گشته و بار اطلاعی آنها (اطلاعات کهنه یا نو) از منظر بافت متنی یا موقعیتی تحلیل و تقسیم‌بندی پرینس (۱۹۸۱) بر این مجموعه اعمال گشته و کهنه یا نو بودن اطلاعات آنها بر این اساس مطالعه و بررسی شده است.

### گروه‌های اسمی اشاره شده در متن (E)

در بررسی حاضر، از مجموع ۷۴۸ گروه اسمی در جایگاه نهاد جمله، ۳۴۰ گروه اسمی یعنی ۴۵/۴۵ درصد از کل گروه‌های اسمی مورد بررسی در مقوله گروه‌های اسمی اشاره شده در متن قرار گرفته‌اند به این معنا که این نوع گروه‌های اسمی به شخصی یا کسی یا چیزی اشاره دارند که قبلاً در بافت متنی و گفتمانی کاربرد یافته است و بنابراین اطلاعات کهنه بافت بنیاد محسوب می‌شود و معرفه و قابل درک و شناسایی می‌باشد. گروه‌های اسمی اشاره شده در متن اغلب گروه‌هایی از قبیل ضمائر فاعلی، ضمائر اشاره، اسم‌هایی که قبلاً در بافت متنی به‌کاررفته‌اند و یا صفات اشاره همراه با اسم هستند.

مثال: در رباعی شماره (۹۴) چنین آمده است:

بر سنگ زدم دوش سبوی کاشی      سرمست بدم که کردم این اوباشی  
با من به زبان حال میگفت سبو      چون من تو بدم تو نیز چون من باشی  
(ص: ۸۵).

ضمیر متصل «م» در افعال «بدم» و «کردم» در نقش نهاد جملات به‌کاررفته است که مرجع آن در بافت موقعیتی یا غیر متنی است، بنابراین مرجع ضمیر مذکور برای شنونده یا خواننده از طریق بافت موقعیتی یا غیر متنی معرفه یا شناخته‌شده می‌باشد.

همچنین ضمائر منفصل فاعلی «من» و «تو» در این رباعی به‌واسطه حضور آنها یا مرجعشان در بافت متنی (مصراعهای سوم و چهارم) معرفه و مشخص‌اند.

همچنین اسم «سبو» در این رباعی دو بار به‌کاررفته است، بنابراین اسم «سبو» در کاربرد دوم خود به‌واسطه تکرار در بافت متنی معرفه و شناخته‌شده می‌باشد.

در رباعی شماره (۶۹) نیز اسم «آبگینه» در کاربرد دوم خود در نقش نهاد جمله به‌کاررفته است به‌واسطه تکرار در بافت متنی معرفه و شناخته‌شده می‌باشد.

ایام زمانه از کسی دارد ننگ کاو در غم ایام نشیند دل‌تنگ  
می‌خور تو در آبگینه با ناله چنگ زآن پیش که آبگینه آید بر سنگ  
(ص: ۶۰).

در رباعی زیر (شماره ۱۱۸) نیز ضمیر اشاره «همان» در مصرع آخر در نقش نهاد جمله کاربرد یافته است که مرجع آن در بافت متنی (مصرع قبل از آن) ذکر شده است:

ای بس که نباشیم و جهان خواهد بود نی نام ز ما و نی نشان خواهد بود  
زاین پیش نبودیم و نبد هیچ خلل زاین پس چو نباشیم همان خواهد بود  
(ص: ۳۳).

در رباعی شماره (۹۱) گروه اسمی «آن کوزه» که شامل صفت اشاره «آن» و اسم «کوزه» میباشد، در نقش نهاد جمله به‌کاررفته که مرجع آن «کوزه» در بافت متنی قبل از آن (مصرع اول) کاربرد یافته است و معرفی می‌باشد:

از کوزه‌گری کوزه خریدم باری آن کوزه سخن گفت ز هر اسراری  
شاهی بودم که جام زرینم بود اکنون شده‌ام کوزه هر خماری  
(ص: ۸۱).

همچنان که پیش‌تر تشریح شد، ضمائر مستتر فاعلی در افعال امر، نهی و در صیغه سوم شخص مفرد افعال گذشته ساده، نیز می‌توانند در نقش نهاد جمله کاربرد یابند. مثال: در رباعی شماره (۱۰۴)، ضمیر مستتر دوم شخص مفرد «تو» در فعل «بین» در پایان مصراع‌های اول، دوم و چهارم در نقش نهاد جمله به‌کاررفته است:

ای دیده اگر کور نئی گور بین وین عالم پر فتنه و پر شور بین  
شاهان و سران و سروران زیر گلند روهای چو مه در دهن مور بین  
(ص: ۷۳).

به‌طور کلی از آنجاکه این نوع از گروه‌های اسمی در جایگاه نهاد جمله، قبلاً در متن ذکر شده‌اند و برای مخاطب از طریق بافت متنی مشخص و معرفی شده‌اند و از این حیث حاوی اطلاع کهنه می‌باشند، لذا اطلاعی که توسط این نوع گروه‌های اسمی منتقل می‌شود، اطلاع کهنه بافت بنیاد نامیده می‌شوند.

### گروه‌های اسمی جدید معین (U)

از مجموع ۷۴۸ گروه اسمی در جایگاه نهاد جمله، ۱۱۳ گروه اسمی یعنی ۱۵/۱۱ درصد از کل گروه‌های اسمی به گروه‌های اسمی جدید معین اختصاص یافته است. مصداق یا مصادیق این نوع گروه‌های اسمی در ذهن شنونده وجود دارد و شنونده قادر است آنها را شناسایی کند و این اسامی اغلب اسامی خاص و یا اسم جنس هستند. در رباعی شماره (۵۳)، اسامی «گردون» و «ابر» در مصراع‌های اول و سوم در نقش نهاد جمله کاربرد یافته که در زمره گروه‌های اسمی جدید معین قرار دارد:

گردون ز زمین هیچ گلی برنارد کش نشکند و هم به زمین نسپارد  
گر ابر چو آب خاک را بردارد تا حشر همه خون عزیزان بارد  
(ص: ۴۴).

اسامی «جمشید» و «بهرام» در رباعی شماره (۷)، در زمره اسامی خاص قرار دارند و مصادیق شناخته‌شده‌ای برای شنونده یا مخاطب دارند. این اسامی در این رباعی از لحاظ متنی جدید هستند به این معنی که در بافت متنی این

رباعی قبلاً کاربرد نیافته‌اند ولی باین وجود شنونده با مصادیق آنها آشناست و بنابراین از لحاظ شنونده معرفه تلقی میشوند:

آن قصر که جمشید در او جام گرفت      آهو بچه کرد و روبه آرام گرفت  
بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر      دیدی که چگونه گور بهرام گرفت  
(ص: ۸).

#### گروه‌های اسمی جدید نامعین معرفه نشده (BN)

این نوع گروه‌های اسمی در جایگاه نهاد جمله حاوی اطلاعات نو هستند، زیرا که از منظر شنونده و متن جدید و نو هستند و قبلاً در بافت متنی یا موقعیتی ذکر نشده‌اند. مثال: در رباعی شماره (۹۶)، مرجع ضمیر متصل فاعلی سوم شخص جمع «ند» در افعال «پخته‌اند»، «شده‌اند» و «دادند»، همچنانکه شریعت (۱۳۷۲، ص ۲۵۲) در مبحث ضمایر مبهم به آن پرداخته است و در این بررسی نیز تشریح شده است، در زمره ضمایر مبهم قرار دارد چون مرجع مشخصی در بافت متنی و غیر متنی (موقعیتی) ندارند و بنابراین هم از لحاظ شنونده و هم از لحاظ بافتی نکره و ناشناخته بوده و حاوی اطلاع نو یا جدید می‌باشد:

خوش باش که پخته‌اند سودای تو دی      فارغ شده‌اند از تمنای تو دی  
قصه چه کنم که بی تمنای تو دی      دادند قرار فردای تو دی  
(ص: ۸۷).

همچنین در مصرع پایانی رباعی شماره (۹)، ضمایر مبهم «کس» و «هرکس» نهاد فعل واقع شده است که از نظر شنونده و بافت (متنی و موقعیتی) در زمره گروه‌های اسمی ناشناخته معرفه نشده قرار دارد و حاوی اطلاع نو می‌باشد:

این بحر وجود آمده بیرون ز نهفت      کس نیست که این گوهر تحقیق نسفت  
هر کس سخنی از سر سودا گفتند      ز آن روی که هست کس نمیداند گفت  
(ص: ۹).

#### گروه‌های اسمی حدس زدنی از طریق خود بخش اسمی (IC)

در این نوع گروه اسمی، آنچه باعث میشود که اسم شناخته شود در خود گروه اسمی قرار دارد و بخشی از آن گروه اسمی محسوب میشود مانند رابطه یک عضو با کل یا یک دسته، طبقه یا گروه.

در این بررسی از مجموع ۷۴۸ گروه اسمی در جایگاه نهاد جمله، ۶۹ گروه اسمی یعنی ۹/۲۳ درصد از کل گروه‌های اسمی در این مقوله قرار دارند. مثال: در رباعی شماره ۴۹، اسامی «غم و رنج»، «عیش و طرب» و «دوران» در ترکیبات اضافی «غم و رنج من»، «عیش و طرب تو» و «دوران فلک» به واسطه اضافه شدن به اسمی معرفه، معرفه شده‌اند و به اصطلاح اضافه به معرفه هستند یعنی به واسطه اضافه شدن به اسمی معرفه در خود گروه اسمی معرفه شده‌اند:

گر چه غم و رنج من درازی دارد      عیش و طرب تو سرفرازی دارد  
بر هر دو مکن تکیه که دوران فلک      در پرده هزار گونه بازی دارد  
(ص: ۴۳).

#### گروه‌های اسمی حدس زدنی از طریق استنتاج (I)

این نوع از گروه‌های اسمی حدس زدنی به‌طور غیرمستقیم با گروه‌های اسمی دیگر در متن رابطه‌ای منطقی دارد

و برای شنونده قابل‌شناسایی است (پرینس، ۱۹۹۲، صص ۳۰۴-۳۰۸). در مجموع ۸ گروه اسمی در جایگاه نهاد جملات یعنی ۱/۰۷ درصد از کل گروه‌های اسمی مورد بررسی در زمره گروه‌های اسمی حدس زدنی از طریق استنتاج محسوب میشوند. مثال: گروه اسمی «چنین فسانه‌ها» در مصرع پایانی رباعی شماره (۱۵)، به مضمون و محتوای سه مصرع قبل از آن اشاره دارد که این رابطه ارجاعی به صورت تلویحی و غیرمستقیم قابل حدس و تشخیص و استنباط است:

در پرده اسرار کسی را ره نیست  
زین تعبیه‌ها جان هیچ‌کس آگه نیست  
جز در دل خاک هیچ منزلگه نیست  
می‌خور که چنین فسانه‌ها کوتاه نیست  
(ص: ۱۴).

#### گروه‌های اسمی اشاره شده در موقعیت گفتگو (ES)

از مجموع ۷۴۸ گروه اسمی در نقش نهاد جمله، ۹۶ گروه اسمی یعنی ۱۲/۸۳ درصد از این مقوله‌اند. اگر گروه اسمی از طریق موقعیت گفتگو یا بافت موقعیت که شامل شرایط زمانی، مکانی و شرکت‌کنندگان در گفتگو میباشد، برای شنونده یا خواننده قابل‌شناسایی باشد، گروه اسمی اشاره شده در موقعیت گفتگو نامیده میشود. مثال: در آغاز مصرع سوم رباعی شماره (۱۲۱)، ضمیر منفصل فاعلی اول شخص مفرد «من» در بافت متنی مصداق و مرجعی ندارد ولی از آنجاکه مخاطب یا شنونده یا خواننده رباعیات خیام به سادگی درمییابد که شاعر و نویسنده اشعار در بافت موقعیتی و نه متنی قابل تشخیص است، لذا مبرهن است که ضمیر منفصل فاعلی مذکور به خود شاعر ارجاع میدهد که یکی از شخصیت‌های بافت موقعیتی رباعی است:

تا زهره و مه در آسمان گشت پدید  
بهرتر ز میناب هیچ‌کس ندید  
من در عجبم ز می‌فروشان که ایشان  
به زآن که فروشند چه خواهند خرید  
(ص: ۳۸).

همچنین در رباعی شماره (۶۳)، ضمیر متصل فاعلی اول شخص «م-» در فعل «بدیدم» به خیام اشاره دارد:

دی کوزه‌گری بدیدم اندر بازار  
بر پاره گلی لگد همی زد بسیار  
و آن گل به زبان حال با او میگفت  
من همچو تو بوده‌ام مرا نیکو دار  
(ص: ۵۴).

#### گروه اسمی جدید نامعین معرفی شده (BNA)

از مجموع ۷۴۸ گروه اسمی در نقش نهاد جمله، ۲۵ گروه اسمی یعنی ۴/۲۸ درصد از کل گروه‌های اسمی بررسی شده در این مقوله قرار میگیرند. این نوع گروه‌های اسمی معمولاً شامل یک اسم نکره و یک بند موصولی که آن را توصیف میکند، میباشد. راسخ مهند و موسوی (۱۳۸۶، ص ۵۴) در تشریح و توصیف این نوع از گروه‌های اسمی از مثال زیر استفاده نموده‌اند:

"ماشینی که علی سوار شده خیلی گران است" (بند موصولی "ماشینی" را معرفی نموده است). همچنانکه پیش‌تر اشاره شد، این نوع گروه‌های اسمی از میزان آشنایی بسیار کمی برای شنونده برخوردار بوده و شنونده تصور کاملی از مصداق آنها نداشته و غالباً حاوی اطلاعات نو میباشند. مثال: در رباعی شماره (۱۷)، در مصراع‌های اول و سوم و اسامی نکره «خاکی» و «هر خشت» به ترتیب با بندهای موصولی «که به زیر پای هر نادانی است» و «که بر کنگره ایوانی است» توصیف شده است:

خاکی که به زیر پای هر نادانی است / کف صنمی و چهره جانانی است  
 هر خشت که بر کنگره ایوانی است / انگشت وزیر یا سر سلطانی است  
 (ص: ۱۵).

همچنین در رباعی شماره (۲۶)، در دو مصرع اول و سوم گروه‌های اسمی «این کوزه» و «هر کاسه می» به ترتیب با بندهای موصولی «که آب‌خواره مزدوری است» و «که بر کف مخموری است» توصیف شده‌اند:

این کوزه که آب‌خواره مزدوری است / از دیده شاهی و دل دستوری است  
 هر کاسه می که بر کف مخموری است / از عارض مستی و لب مستوری است  
 (ص: ۲۰).

### گروه‌های غیر اسمی در نقش نهاد جمله (!?)

همچنانکه قبلاً اشاره شد، برخی از گروه‌های غیر اسمی از قبیل گروه حرف‌افزایی، گروه مصدری و بندهای خود ایستا یا مستقل یا ناخود ایستا یا وابسته نیز بعضاً در جایگاه نهاد برخی جملات به کار رفته‌اند. از آنجاکه در پژوهش حاضر به بررسی ساختار اطلاعاتی گروه‌های اسمی در جایگاه نهاد جملات پرداخته می‌شود لذا این نوع گروه‌های غیر اسمی در این بررسی با عنوان "سایر" از آنها یاد شده است و از علامت (!?) جهت مشخص کردن و تمییز دادن آنها از گروه‌های اسمی در نقش نهاد جمله استفاده شده است. مثال: در مصرع پایانی رباعی شماره (۱۲)، گروه‌های مصدری «کاین آمدن» و «رفتن» در نقش نهاد جمله به کار رفته‌اند:

کسی می نزنند در این معنی راست / که این آمدن از کجا و رفتن به کجاست  
 (ص: ۱۱).

همچنین در مصرع اول رباعی شماره (۱۰۲)، نهاد فعل «گذشت»، گروه حرف‌افزایی «از دی» میباشد که یک گروه اسمی نیست: از دی که گذشت هیچ از او یاد مکن (ص: ۷۴).

در مصرع پایانی رباعی شماره (۱۲۹)، نیز نهاد فعل «معلوم شد» بند وابسته «که هیچ معلوم نشد» میباشد که یک گروه غیر اسمی است:

هفتاد و دو سال فکر کردم شب و روز / معلوم شد که هیچ معلوم نشد  
 (ص: ۴۸).

به‌طور کلی جهت خودداری از اطناب مطلب، لیست رباعیات بررسی شده با ذکر مصرع اول بیت مطلع و شماره صفحه در ضمیمه (۱) و تحلیل رباعیات در ضمیمه شماره (۲) ارائه شده‌اند. جدول (۴-۱) بیانگر تعداد و درصد گروه‌های اسمی به کار رفته در جایگاه نهاد در رباعیات بررسی شده میباشد.

جدول (۴-۱) : تعداد و درصد گروه‌های اسمی به کار رفته در جایگاه نهاد جمله در رباعیات خیام

گروه اسمی	E	U	Ic	I	Es	BN	BNA	تعداد کل	سایر	
تعداد	۳۴۰	۱۱۳	۶۹	۸	۹۶	۹۰	۳۲	۷۴۸	۲۸	
درصد	۴۵/۴۵	۱۵/۱۱	۹/۲۳	۱/۰۷	۱۲/۸۳	۱۲/۰۳	۴/۲۸	۱۰۰		
اطلاعات کهنه	٪۸۳/۶۹									
اطلاعات نو						٪۱۶/۳۱				



بنابراین در بررسی حاضر، ۷۴۸ جمله تجزیه و تحلیل شده که در ۲۸ مورد نهاد جملات گروه‌ها یا بندهای غیر اسمی مانند گروه‌های حرف‌افزای، بندهای خودایستا و بندهای ناخود ایستا بوده و چنین نتایجی مورد تأیید رحیمیان (۱۳۸۱، ص ۸۳) نیز می‌باشد که معتقد است، علاوه بر گروه‌های اسمی که نوعاً بیانگر نهاد جمله می‌باشند، عناصر زبانی دیگری از جمله گروه‌های حرف‌افزای، بندهای خود ایستا و بندهای ناخود ایستا نیز می‌توانند نهاد جمله واقع شوند. دیگر نتایج بررسی که به سؤالات تحقیق مربوط می‌شود و از جدول بالا قابل تشخیص است در قسمت بعد به اختصار تشریح می‌شوند.

### نتایج تحقیق

در این قسمت پاسخها و توضیحات مربوطه به سؤالات تحقیق به صورت مجزا ارائه می‌شوند:

نتایج بررسی در پاسخهای زیر ارائه می‌شوند:

- ۱- همچنانکه در جدول (۴-۱) نشان داده شده است، مجموعاً ۷۴۸ گروه اسمی در جایگاه نهاد واقع شده‌اند و بر اساس تقسیم‌بندیهای پرینس (۱۹۹۲/۱۹۸۱) تحلیل و واکاوی شده‌اند: بنابراین از مجموع ۷۴۸ گروه اسمی در جایگاه نهاد جمله، ۳۴۰ گروه اسمی در جایگاه نهاد یعنی ۴۵/۴۵ درصد از کل گروه‌های اسمی مورد بررسی، مربوط به گروه‌های اسمی اشاره شده در متن (E) بوده، ۱۱۳ گروه اسمی یعنی ۱۵/۱۱ درصد از گروه‌های اسمی مربوط به گروه‌های اسمی جدید معین (U)، همچنین ۹۶ گروه اسمی یعنی ۱۲/۸۳ درصد از کل گروه‌های اسمی از نوع گروه‌های اسمی اشاره شده در موقعیت گفتگو (ES)، ۹۰ گروه اسمی یعنی ۱۲/۰۳ درصد از کل گروه‌های اسمی از مقوله گروه‌های اسمی جدید نامعین معرفه نشده (BN)، ۶۹ گروه اسمی یعنی ۹/۲۳ درصد از کل گروه‌های اسمی از نوع گروه‌های اسمی حدس زدنی از طریق خود بخش اسمی (IC)، ۳۲ گروه اسمی یعنی ۴/۲۸ درصد از کل گروه‌های اسمی مربوط به گروه‌های اسمی جدید نامعین معرفه شده (BNA) و ۸ گروه اسمی یعنی ۱/۰۷ درصد از کل گروه‌های اسمی مربوط به گروه‌های اسمی حدس زدنی از طریق استنتاج (I) می‌باشند. همچنانکه اشاره شد، در ۲۸ جمله، نهاد جمله گروه‌ها یا بندهای غیر اسمی بوده است.
- ۲- همچنانکه در جدول (۴-۱) نشان داده شده است، از مجموع کل گروه‌های اسمی به کاررفته در جایگاه نهاد جمله، ۳۴۰ گروه اسمی از نوع گروه‌های اسمی اشاره شده در متن بوده که ۴۵/۴۵ درصد از کل گروه‌های اسمی مورد بررسی را تشکیل دهد، بنابراین این گروه‌های اسمی در بررسی‌های حاضر، بیشترین کاربرد را در جایگاه نهاد جمله دارند.
- همچنین، در ۸ جمله یعنی ۱/۰۷ درصد از کل جملاتی که در آنها گروه‌های اسمی در جایگاه نهاد جمله واقع شده، گروه‌های اسمی حدس زدنی از طریق استنتاج در جایگاه نهاد جملات واقع شده‌اند که نسبت به دیگر انواع گروه‌های اسمی در جایگاه نهاد جمله، کمترین کاربرد را نشان می‌دهند.
- ۳- همچنانکه در جداول (۳-۱) و (۳-۲) نشان داده شده است، انواع گروه‌های اسمی از حیث شنونده یا بافت، اطلاعات کهنه یا نو تلقی می‌شوند که اطلاع کهنه یا نو شنونده یا بافت بنیاد محسوب می‌شود. از آنجاکه طبق نظرات پرینس (۱۹۸۱)، گروه‌های اسمی اشاره شده (چه در بافت متنی و چه در بافت موقعیتی) (E و ES) برای شنونده شناخته شده و معرفه هستند، لذا حاوی اطلاعات کهنه شنونده بنیاد می‌باشند. گروه‌های اسمی اشاره شده در موقعیت گفتگو، اطلاع نو بافت بنیاد و کهنه شنونده بنیاد محسوب می‌شوند مانند همان ضمائر متصل یا

منفصلی که خیام در بیت مطلع برخی از رباعیات استفاده می‌کند که مرجعی در بافت متنی ندارند بلکه از لحاظ بافت موقعیتی به خود راوی یعنی خیام اشاره دارند. گروه‌های اسمی جدید معین، حدس زدنی از طریق استنتاج و حدس زدنی از طریق خود گروه اسمی از دیگر گروه‌های اسمی هستند که حاوی اطلاعات کهنه میباشند. گروه‌های اسمی جدید نامعین معرفه نشده (BN) و گروه‌های اسمی جدید نامعین معرفه شده (BNA) معمولاً حاوی اطلاعات نو میباشند چرا که شنونده در بافت متنی یا موقعیتی با مصداق یا مصادیق آنها آشنایی نداشته و از طریق استدلال و استنتاج و یا ساخت گروه اسمی نیز قادر به تشخیص مصداق آنها نمیباشد و به اصطلاح این نوع گروه‌های اسمی نکره یا ناشناخته تلقی میشوند. بنابراین همچنانکه در جدول (۱-۴) نیز نشان داده شده است، از مجموع ۷۴۸ گروه اسمی در نقش نهاد جمله، ۶۲۶ گروه اسمی یعنی ۸۳/۶۹ درصد از کل گروه‌های اسمی حاوی اطلاعات کهنه و ۱۲۲ گروه اسمی یعنی ۱۶/۳۱ درصد از کل گروه‌های اسمی مورد بررسی در رباعیات خیام حاوی اطلاعات نو میباشند.

### مشارکت نویسندگان

این مقاله حاصل مشارکت و پژوهش آقای ایوب انصاری مربی دانشگاه پیام نور و آقای دکتر سیدعلی سراج دانشیار دانشگاه نیشابور میباشد.

### تشکر و قدردانی

از دانشگاه پیام نور و دانشگاه نیشابور سپاسگزاریم.

### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسندگان است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

### REFERENCES

- Agha Golzadeh, F and Razavian, S. H. (1386). The analysis of information structure in the story of the blind owl. Proceeding researches of the 7th Iran Linguistic Conference, Vol. 1, pp. 15-3.
- Anvari, H and Ahmadi Guvi, H. (1382). Persian grammar 2, 22nd edition. Tehran: Fatemi Cultural Institute, pp. 78, 80-82, 111-112.
- Brown, G and Yule, G. (1989). Discourse Analysis. Cambridge: Cambridge University Press, pp. 154-168.
- Birner, Betty J. (2006). Inferential relations and noncanonical word order. In B. Birner, and G. Ward (eds.), Drawing the Boundaries of Meaning: Neo-Gricean

- Studies in Pragmatics and Semantics in Honor of Laurence R. Horn. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company, pp. 31-51.
- Coulthard, M. (1985). An introduction to Discourse Analysis. London: Longman, pp.13-55.
- Dabir Moghaddam, M. (1369). About "Ra" in Persian language. Journal of Linguistics, 5(1), pp. 2-60.
- Davari Sani, Zohre et al. (1401). Critical analysis of Saeb Tabrizi's sonnets based on Norman Fairclough's theory with an approach to the place of asceticism and ascetic in Saeb Tabrizi's thought. Scientific Journal of Persian Poetry and Prose Stylistics (Spring Literature), Volume 15, Number 81, pp. 23-42.
- Dike, T. A. V. (2012). Studies in discourse analysis: from text grammar to critical discourse analysis. Group of translators: Izadi, P... [et al.], edited by Mohajer, M. and Nabavi, M. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, pp. 27 and 28.
- Haqshanas, A. M. (1370). Linguistic literary articles. Tehran: Nilofar, p. 154.
- Halliday, M.A.K. (1986). An Introduction to Functional Grammar, London: Edward Arnold Publishers. Ltd. p. 242.
- Halliday, M.A.K. (1967). Notes on transitivity and theme in English: Part 2. Journal of linguistics 3: pp. 199- 244.
- Khayampour, A. (1334). Persian grammar, second edition, Tabriz, p. 33.
- Khayyam Neishabouri, Omar. (1389). Khayyam Nishaburi's quatrains (collected and corrected by Ali Arabi), fourth edition. Tehran: Shahram Publications.
- Loock, Rudy. (2013). Extending further and refining Prince's taxonomy of given/new information: A case study of non-restrictive, relevance-oriented structures. International Pragmatics Association, Pragmatics 23:1, pp 69-91. (DOI:10.1075/prag.23.1.04100)
- Lotfi Poursaedi, K. (1371). An introduction to speech analysis. Journal of Linguistics, 9 (1), p 9.
- Natel Khanleri, P. (1380). Persian Grammar, 18th edition, Tehran: Tous Publications, pp. 14 , 201.
- Noonan, David. (1993). Introducing Discourse Analysis. London: Penguin Group, p. 45.
- Prince, Ellen. F. (1992). The ZPG Letter: Subject, Definiteness, and Information Status, in Mann (Eds) , Discourse Description: Diverse Analysis of Fund Raising Text. Philadelphia/ Amsterdam: John Benjamin B.V.pp.292.
- Prince, E.F. (1981). Toward a Taxonomy of given – new Information. In (Ed.) P. Cole. Radical Pragmatics, New York: Academic Press, pp. 223-254.
- Rahimian, Jalal. 2008. Persian grammar: Form, Function, Meaning. Shiraz: Shiraz

- Rasekh Mehand, M. and Mousavi, N. (1386). Suffixing in Persian language. Proceedings of the 7th Iranian Linguistics Conference, Volume 1, Edited by Debir Moghadam, M and colleagues of Allameh Tabatabai University, Tehran, pp. 49-66.
- University, p. 83.
- Richard, Jack. C, John Platt and Heidi Platt. (1992). Longman Dictionary of Language Teaching & Applied Linguistics. (Second Edition). London: Longman, pp. 149, 384.
- Richard, Jack.... [et al.]. (1375). Longman Dictionary of Applied Linguistics, translated by Vosoughi, H. and Mirhasani, A. Tehran: Book Translation and Publishing Center, pp. 166-167, 279.
- Shafai, A. (1363). Persian grammer. Novin: Tehran, p. 10.
- Shamisa, S. (1374). Generalities of stylistics. Tehran: Ferdous, p. 273.
- Shariat, M. J. (1372). Persian grammer. Tehran: Asatir Publication, pp. 77-81, 216-221 and 395-397.
- Yarmohammadi, L. (1372). Sixteen articles in applied linguistics and translation. Shiraz: Navid, p. 261.
- Zandi, B. and Roshan, B. (1383). Investigating the use of various noun phrases in subject position in the written sentences of Persian-speaking children. Peike Noor Quarterly, 2 (5), , pp: 19-26.

#### فهرست منابع فارسی

- آقا گل زاده، فردوس و رضویان، سید حسین. (۱۳۸۶). بررسی ساخت اطلاعاتی جمله در داستان بوف کور. مجموعه مقالات هفتمین همایش زبانشناسی ایران، ج ۱، صص ۳-۱۵.
- انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن. (۱۳۸۲). دستور زبان فارسی ۲، چاپ بیست و دوم. تهران: موسسه فرهنگی فاطمی، صص ۷۸، ۸۰-۸۲، ۱۱۱-۱۱۲.
- براون، گیلیان و یول، جورج. (۱۹۸۹). تحلیل گفتمان. کمبریج: انتشارات دانشگاه کمبریج، صص ۱۵۴-۱۶۸.
- بیرنر، بتی جی (۲۰۰۶). روابط استنباطی و ترتیب کلمات غیر متعارف. به ویرایشهای بتی بیرنر و گریگوری وارد، ترسیم مرزهای معنا: مطالعات نئوگرایسی در کاربردشناسی و معناشناسی به افتخار لارنس آر. هورن. آمستردام/ فیلادلفیا: شرکت انتشارات جان بنجامین، صص ۳۱-۵۱.
- پرینس، الن. ف. (۱۹۹۲). نامه ZPG: نهاد، معرفه گی و وضعییت اطلاعات، شرح گفتمان: تحلیل متنوع متن افزایش سرمایه. فیلادلفیا/ آمستردام: جان بنجامین، ص ۲۹۲.
- پرینس، الن. ف. (۱۹۸۱). به سوی یک طبقه بندی اطلاعات کهنه - نو. به (ویرایش) پی کول. کاربردشناسی بنیادگرا، نیویورک: انتشارات دانشگاهی، صص ۲۲۳-۲۵۴.
- حق شناس، علی محمد. (۱۳۷۰). مقالات ادبی زبانشناسی. تهران: نیلوفر، ص ۱۵۴.
- خیام پور، عبدالرسول. (۱۳۳۴). دستور زبان فارسی، چاپ دوم، تبریز، ص ۳۳.

- خیام نیشابوری، عمر. (۱۳۸۹). رباعیات خیام نیشابوری (با گردآوری و تصحیح علی اعرابی)، چاپ چهارم. تهران: انتشارات شهرام.
- دایک، تیون آدریانوس ون. (۱۳۸۲). مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی. گروه مترجمان: پیروز ایزدی،... [و دیگران]، ویراسته مهراں مهاجر و محمد نبوی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صص ۲۷ و ۲۸.
- داوری ثانی، زهره و همکاران. (۱۴۰۱). تحلیل انتقادی غزلیات صائب تبریزی بر مبنای نظریه نورمن فرکلاف با رویکرد به جایگاه زهد و زاهد در اندیشه صائب تبریزی. نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۸۱، صص ۴۲-۲۳).
- دبیر مقدم، محمد. (۱۳۶۹). پیرامون «را» در زبان فارسی. مجله زبانشناسی، سال ۵: ش ۱، صص: ۶۰-۲.
- راسخ مهند محمد و ندا موسوی. (۱۳۸۶). پس‌اندسازی در زبان فارسی. مجموعه مقالات هفتمین همایش زبانشناسی ایران، ج ۱، به کوشش محمد دبیر مقدم و همکاران دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، صص ۴۹-۶۶.
- رحیمیان، جلال. ۱۳۸۸. دستور زبان فارسی: صورت، نقش، معنا. شیراز: دانشگاه شیراز، ص ۸۳.
- ریچارد، جک... [و دیگران]. (۱۳۷۵). فرهنگ توضیحی زبانشناسی کاربردی لانگمن، ترجمه وثوقی، ح و میرحسینی، الف. تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب، صص ۱۶۶-۱۶۷ و ۲۷۹.
- ریچارد جک، جان پلات و هایدی پلات. (۱۹۹۲). فرهنگ لغت آموزش زبان و زبانشناسی کاربردی لانگمن. (چاپ دوم). لندن: لانگمن، صص ۱۴۹، ۳۸۴.
- زند، بهمن و بلقیس روشن. (۱۳۸۳). بررسی کاربرد انواع گروه‌های اسمی در جایگاه مبتدا در جمله‌های نوشتاری کودکان فارسی‌زبان. فصل‌نامه پیک نور، سال دوم، شماره (پیاپی ۵)، صص: ۱۹-۲۶.
- شریعت، محمدجواد. (۱۳۷۲). دستور زبان فارسی. تهران: انتشارات اساطیر، صص ۷۷-۸۱، ۲۱۶-۲۲۱ و ۳۹۵-۳۹۷.
- شفائی، احمد. (۱۳۶۳). دستور زبان فارسی. نوین: تهران، ص ۱۰.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۴). کلیات سبک‌شناسی. تهران: فردوس، ص ۲۷۳.
- کولتارد، مالکلم. (۱۹۸۵). مقدمه‌ای بر تحلیل گفتمان. لندن: لانگمن، صص ۱۳-۵۵.
- لطفی پورساعدی، کاظم. (۱۳۷۱). درآمدی به سخن کاوی. مجله زبانشناسی، شماره ۱، سال ۹.
- لوک، رودی. (۲۰۱۳). بسط بیشتر و اصلاح طبقه‌بندی پرسن اطلاعات کهنه / نو: مطالعه موردی ساختارهای غیر محدود کننده و مرتبط گرا. انجمن بین‌المللی کاربردشناسی، کاربردشناسی ۱: ۲۳، صص ۶۹-۹۱.
- ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۸۰). دستور زبان فارسی، چاپ هجدهم، تهران: انتشارات توس، صص ۱۴ و ۲۰۱.
- نونان، دیوید. (۱۹۹۳). معرفی تحلیل گفتمان. لندن: گروه پنگوئن، ص ۴۵.
- هالیدی، مایکل الکساندر. (۱۹۸۶). مقدمه‌ای بر دستور نقشی، لندن: انتشارات ادوارد آرنولد، ص 242.

هالیدی، مایکل الکساندر. (۱۹۶۷). یادداشتهایی در مورد گذرایی [حالت متعدی، تعدی] و موضوع در زبان انگلیسی: قسمت ۲. مجلهٔ زبانشناسی ۳: صص ۱۹۹-۲۴۴.

یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۷۲). شانزده مقاله در زبانشناسی کاربردی و ترجمه. شیراز: نوید، ص ۲۶۱.

#### معرفی نویسندگان

ایوب انصاری: مربی گروه زبانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول: Email: [Ansari\\_ayoub@pnu.ac.ir](mailto:Ansari_ayoub@pnu.ac.ir))

(ORCID: 0000-0001-9815-1085)

سیدعلی سراج: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران.

(Email: [Ali.seraj@neyshabur.ac.ir](mailto:Ali.seraj@neyshabur.ac.ir))

(ORCID: 0000-0001-5851-0933)

#### COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

#### Introducing the authors

**Ayoub Ansari:** Instructor of Linguistics Department, Payam Noor University, Tehran, Iran.

(Email: [Ansari\\_ayoub@pnu.ac.ir](mailto:Ansari_ayoub@pnu.ac.ir): Responsible author)

(ORCID: 0000-0001-9815-1085)

**Seyed Ali Seraj:** Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Neyshabur University, Neyshabur, Iran.

(Email: [Ali.seraj@neyshabur.ac.ir](mailto:Ali.seraj@neyshabur.ac.ir))

(ORCID: 0000-0001-5851-0933)